

نقش علمی و فرهنگی علمای شیعه افغانستان در حوزه نجف در سده اخیر

□ محمدرضا ضیایی *

چکیده

در تاریخ معاصر افغانستان به ویژه بعد از حکومت عبدالرحمان و قتل عام هزاره توسط او که باعث مهاجرت عده‌ی زیادی به خارج از کشور گردید، عده‌ای از عالمان دینی نیز به نجف اشرف مهاجرت کردند و در آن حوزه کهن به تحصیل علوم اسلامی پرداختند. این پژوهش در صدد است جایگاه و نقش فرهنگی علمای شیعه افغانستان در حوزه علمیه نجف اشرف را تبیین و تحلیل کند. این پژوهش با روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیلی انجام گرفته است. دستاورد این پژوهش این است که عالمان مهاجر شیعی افغانستان به حوزه علمیه نجف، از جهت علمی و فرهنگی نقش آفرین بوده است. آنان افزون بر تدریس و تعلیم، تدوین کتاب‌های علمی، در زمینه‌ی خطابه و منبر نیز فعالیت داشته‌اند. چنانکه در ایام وفیات و موالید ائمه معصومین علیهم‌السلام برنامه‌های سخنرانی، جشن سرور و عزاداری داشتند و سخنرانان به نام و صاحب‌آوازه‌ای مانند محقق خراسانی به خطابه و منبر می‌پرداخته است. همچنین در ساخت مراکز علمی مانند ساخت مدارس علمیه، مساجد و حسینیه نیز نقش مؤثری داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: علمای شیعه، مهاجرت، حوزه علمیه نجف و هزاره.

۱. مقدمه

از وظایف مهم عالمان دینی شناساندن و معرفی دین و معارف اسلامی به مردم است. اگر دین اسلام و معارف اهل بیت به صورت صحیح و کامل توسط علمای دینی به مردم معرفی گردد شود و حقایق دینی روشن گردد، واضح است که از گسترش بسیاری از انحرافات فکری و عقیدتی در میان مردم جلوگیری خواهد شد. تبلیغ معارف اهل بیت و معرفی دین به مردم، نیازمند ابزار و شیوه‌هایی است که بکارگیری صحیح و درست این ابزارها، راه فهم درست و درک عمیق دین را برای مردم هموار و موجب گرایش روزافزون مردم به دین خواهد شد. وجود حوزه‌های علمیه، تحصیل علوم اسلامی و کسب معارف اهل بیت علیهم‌السلام زمینه‌ساز تبلیغ دین و معارف اهل بیت است که می‌تواند از مصادیق فعالیت‌های فرهنگی عالمان دینی به حساب آید.

عالمان دینی افغانستان در راستای رسالت دینی و حوزوی خویش، در حوزه علمیه نجف اشرف فعالیت‌های فرهنگی فراوانی انجام داده است که می‌توان به ساخت و ایجاد مرکز فرهنگی مانند حوزه‌های علمیه برای طلاب علوم دینی و تدریس معارف اهل بیت، مساجد و حسینیه که هم جنبه عبادی دارد و محل عبادت و برگزاری نماز جماعت بوده است و هم محل تدریس و مباحث علمی و هم در مراسم‌های مذهبی محل تجمع شیعیان بوده است، سخنرانی و خطابه و شرکت در لجنه استفتائات مراجع تقلید اشاره نمود. هرچند درباره حوزه علمیه نجف مطالب فراوان نگاشته شده است، ولی نقش فرهنگی عالمان مهاجر شیعی افغانستان در حوزه علمیه نجف کمتر مورد توجه صاحبان قلم بوده است که در این تحقیق تلاش شده است به این مهم پرداخته شود و نقش عالمان شیعی افغانستان در حوزه نجف اشرف به صورت مستند تبیین گردد.

۲. مفاهیم

با توجه به نقش و جایگاه مفهوم‌شناسی در پژوهش‌های علمی و اهمیت شناخت معنی واژگان در تبیین موضوع بحث، قبل از هر چیز واژه‌ها و مفاهیم کلیدی مورد استفاده در این پژوهش

تبیین می‌شود:

۱-۲. فرهنگ و فرهنگی

فرهنگ در لغت به معنای دانش، حرفه، علم، فنون، هنر، آموختن، به کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آئین و رسوم و عقل کاربرد یافته است (دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۳۹، ص ۲۲۷؛ نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۲۵۵۷؛ معین، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۵۳۸؛ پهلوان، ۱۳۸۲، ص ۱۵-۱۲). واژه «فرهنگ» معادل (Culture) به زبان لاتینی، ابتدا به معنای کشت و زرع و در اصطلاح با تعاریف مختلفی کاربرد یافت (پوردوود، ۱۳۲۶، ص ۸۵-۸۶). بدین جهت گاهی به اختصار آن را تعلیم و تربیت و گاهی نیز به تفصیل آن را مجموعه پیچیده‌ای از دانستی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد، معنا شده است (جان‌احمدی، ۱۳۹۲، ص ۳۶-۳۷؛ عیوضی، ۱۳۷۸: ص ۵).

فرهنگی منسوب به فرهنگ، عبارت است از اموری که به فرهنگ مربوط می‌شود و ویژگی آنچه موضوع یا محور فعالیت آن فرهنگ باشد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۵۳۴۸). بنابراین، همگرایی فرهنگی (در مقابل همگرایی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی)، عبارت است از نقش عالمان شیعی افغانستان در راستای علم و فرهنگ در حوزه علمیه نجف اشرف.

۲-۲) حوزه علمیه

واژه حوزه از دیگر واژه‌هایی است که نیاز به تعریف دارد؛ زیرا تعاریف و مصادیق مختلفی از آن ارائه شده است. واژه حوزه در لغت به معنای ناحیه، محدوده، قلمرو، طرف، میان مملکت، و به معنی طبیعت هم به کار رفته است (نامعلوم، ۱۳۹۲: ق ۲۲۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۲۲، ج ۱: ص ۹۸۵؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۳۴۸؛ عمید، ۱۳۶۲: ۴۳۲). البته حوزه به معنای جمع و تجمع نیز آمده است؛ چنانکه گفته شده است:

«حوز، وهو الجمع والتجمع، يقال كل مجمع و ناحیه حوزة و حوزة و حمی فلان

الحوزة ای المجمع والناحیه و کل من ضم شیئا الی نفسه فقد حازه حوزا» (ابن منظور، ۱۴۲۲ق، ج: ۱، ص ۹۸۵) ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۱۷). بر این اساس مفهوم اصلی حوزه در لغت همان ضم و جمع است. به مدرسه علمیه، هم حوزه اطلاق می‌شود؛ زیرا کسانی را که معارف اسلامی و احکام شرعی می‌آموزد و آموزش می‌دهد را در خود جمع نموده است. حوزه در اصطلاح، در موارد مختلف و متعددی به کار می‌رود مانند حوزه ریاست، حوزه مدیریت، و حوزه علمیه. در دو مورد نخست، معنای اصطلاحی حوزه، بازگشت به معنای لغوی دارد. حوزه ریاست و مدیریت، یعنی قلمرو ریاست و مدیریت، یا ناحیه ریاست و مدیریت.

۳. حوزه علمیه

حوزه علمیه عنوانی عام است برای مراکز علمی شیعه؛ متشکل از مجموعه دست‌اندرکاران، مدارس دینی و مراجع مذهبی که وظایفی غالباً آموزشی و پژوهشی از جمله تربیت و پرورش طلاب علوم دینی، گسترش معارف اسلامی و تبیین عقاید شیعی را بر عهده دارند، مانند حوزه علمیه نجف و حوزه علمیه قم. البته بخش مهم حوزه علمیه، مدارس علمیه هستند که روحانیون شیعه در آن به تدریس و تحصیل علوم دینی می‌پردازند. حوزه‌های علمیه تحت اشراف مجتهدین یا مراجع تقلید شیعه اداره می‌گردد.

در تعریف حوزه علمیه گفته شده است که کلمه حوزه علمیه یا حوزه های علمیه، اصطلاحی است رایج در جهان به ویژه نزد شیعیان، به معنای مرکز علوم دینی و به اصطلاح، دانشگاهی است برای علوم دینی و قدیمه (گروهی از نویسندگان، ۱۳۶۹، ۶: ۵۴۹). البته برخی دیگر از محققان، درباره معنای اصطلاحی حوزه علمیه نوشته است:

حوزه، اطلاقات مختلفی دارد، گاهی به مجموعه تعلیمی تربیتی، که عهده‌دار آموزش و تربیت عالمان دینی که در یک محدوده جغرافیایی مشخصی دایر شده است، اطلاق می‌شود. مانند حوزه قم، حوزه نجف، حوزه تهران یا ...؛ گاهی به کل نهاد آموزشی، تربیتی و علمی دارای هویت تاریخی و مذهب مشخصی، بدون لحاظ بسط جغرافیایی، حوزه

شیعه اطلاق می‌شود. در این اطلاق محدوده جغرافیایی خاصی مراد نیست؛ بلکه معطوف به هویت تاریخی، فکری، سنن و ارکان تکوین بخش آن منظور است و از نهاد مرجعیت تا سطوح مختلف علمی، مدرسین، محققین، فضلا و طلاب را فرا می‌گیرد». (جمعی از محققان، ۱۳۹۰، ۱: ۱۳۴).

بنابراین، حوزه علمیه ماهیتاً به مراکز تحصیلی علوم دینی گفته می‌شود که در آن تعالیم قرآن و معارف دینی آموخته می‌شود. حوزه علمیه در حقیقت شکل نهادی و تکامل یافته دستگاه رسالت و امامت است که توسط علمای اسلامی ادامه حیات یافته است.

۳. نقش علمی علمای شیعه افغانستان در حوزه علمیه نجف

عالمان شیعی افغانستان که در حوزه علمیه نجف اشرف مهاجرت کرده اند؛ به خاطر تلاش و سخت کوشی، همت و استعداد که داشتند، توانستند موقعیت علمی خویش را ثابت کنند و در حوزه علمیه نجف نقش آفرین شوند:

۱-۳) در حوزه تعلیم و آموزش

یکی از نقش‌های علمی علمای افغانستان، نقش آنان در حوزه تعلیم و تربیت شاگرد است. بدون شک یکی از شخصیت‌هایی که در حوزه علمیه نجف در تعلیم و تربیت شاگرد موفق عمل کرد، علامه مدرس افغانی است. درباره تأثیرگذاری ایشان، یکی محققان نگاشته است: زانری از تبریز که در ایام زیارت در درس علما و مدرسان متعدد حضور یافته بود، می‌گفت پرجمعیت‌ترین درس‌های حوزه علمیه؛ درس‌های آیات عظام: حکیم، خونی و مدرس افغانی هستند (محقق خراسانی، ۱۳۹۰: ۶۴).

محقق دیگر معتقد است:

شیخ محمدعلی فرزند مرادعلی، مشهور به مدرس از بزرگان اساتید و علمای حوزه علمیه نجف و چهره شناخته شده در تدریس سطوح در آن حوزه بزرگ بود. بسیاری از علمای نجف به ویژه علمای افغانستان از محضر ایشان استفاده نموده و فارغ‌التحصیل شدند. ایشان همیشه مشغول تدریس ادبیات عرب از جامع المقدمات تا مطول بود و این باعث شد بسیاری از

فضایل وی سرپوشیده بماند. بنده نیز به عظمت علمی ایشان آگاهی نداشتم تا این که در مجلس آیت‌الله خویی با ایشان آشنا شدم و ایشان را عالمی توانا در علوم مختلف اسلامی یافتم و آن وقت فهمیدم اهمیت دادن ایشان به مقدمات به خاطر اهمال دیگران به این علوم است و این از افتخارات علامه مدرس است (جلالی، ۱۴۲۲ق، ۲: ۶۲۰-۶۲۱).

دکتر محمد هادی امینی فرزند علامه امینی در مورد جایگاه علمی و تأثیر وی بر حوزه علمیه نجف اشرف نگاشته است:

محمدعلی بن مرادعلی الافغانی عالم فاضل ادیب جلیل محقق خبیر درس فی النجف الاشرف الفقه و الاصول و تصدی لتدریس السطوح و مقدمات العلوم الادبیه و قرأ علیه کثیر من الفضلاء و کانت له عده جلسات تدریسیه منتقله و أسس مدرسه دینیه للطلاب الافغانیین (امینی، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۱۸۱).

بنا بر نظر برخی از فضلائی که سالیان طولانی از محضر این علامه بزرگوار استفاده کرده‌اند، یکی از ابتکارات وی تأسیس مؤسسه‌ای بود که نوارهای درسی ایشان ضبط شود و کسانی که امکان حضور در جلسات درسی او را نداشتند، همین طور طلاب شهرستان‌ها و کشورهای دیگر استفاده کنند. دلیل این ابتکار هم این بوده که بسیاری از حوزه‌های اطراف و سایر کشورها از ایشان نوار می‌خواستند... اکنون حوزه‌های علمیه از علامه مدرس در حدود بیش از سه هزار نوار در دست دارد که شامل درسهای ذیل می‌شوند:

۱. شرح امثله ۲. صرف میر ۳. عوامل جرجانی ۴. عوامل ملا محسن ۵. منطق کبری ۶. شرح انموذج ۷. کتاب الهدایه ۸. کتاب الصمدیه ۹. سیوطی ۱۰. شرح جامی ۱۱. مختصر المعانی ۱۲. المطول ۱۳. مغنی البیب ۱۴. حاشیه ملا عبدالله ۱۵. معالم الدین ۱۶. شرح باب حادی عشر در علم کلام (ناصری داوودی، ۱۳۹۰، ۳: ۲۱۶-۲۱۷).

طبعاً امروزه این سه هزار نوار به میلیون‌ها سی دی و غیره تبدیل شده و در حوزه‌های علمیه‌ی کشورهای مختلف اسلامی پخش شده است. یکی از محققان که زندگی‌نامه مرحوم مدرس را نوشته است، تأثیرگذاری ایشان را در حوزه علمیه قم چنین توصیف می‌کند: وی به خاطر توانایی علمی‌ای که داشت، توانست در مدت دوازده سالی که در قم بود، در هر شبانه‌روز

بیش از ده جلسه درس را اداره کند و قریب به چهارهزار نوار درسی را به فضیلت کدهی علم و ادب حوزه تقدیم نماید و چند هزار طلبه را زیر پوشش تدریس خود قرار دهد و دهها ادیب و محقق و استاد و مدرس تربیت کند (محدثی، ۱۳۸۳: ۳۳۹).

افزون بر ایشان شخصیت‌های دیگری نیز بودند که در تعلیم و آموزش نقشی مؤثر داشتند. چنانکه امروزه نقش آیت‌الله فیاض را حوزه تعلیم و آموزش نمی‌توان نادیده گرفت.

۲-۳) در حوزه کتابت و تحقیق

یکی دیگر از شاخصه‌های تأثیرگذاری علمی و فرهنگی تألیف و نگارش کتب علمی است که نقشی مهم در گسترش علوم و تمدن اسلامی دارد. در حوزه ادبیات کتاب‌های علمی مرحوم مدرس به عنوان کتاب مرجع در حوزه مطرح است. در علم اصول کتاب‌های آیت‌الله محمدی بامیانی تحت عنوان «دروس فی الرسائل» در شش جلد و «دروس فی الکفایه» در هشت جلد، امروزه در حوزه‌های علمیه به عنوان کتاب مرجع شناخته می‌شود. حضرت آیت‌الله العظمی فیاض در این زمینه نیز به خوبی ظاهر شده و کتاب‌های مختلفی را در علوم اسلامی به ویژه فقه و اصول نگاشته است. در ذیل به برخی آثار فقهی این عالم فرزانه اشاره می‌شود:

۱. احکام البنوک والاسهم و السندات و الاسواق المالیه (البورصه): این کتاب در ۲۷۲ صفحه در سال ۱۳۷۸ شمسی چاپ گردیده و حاوی نظریات فقهی آیت‌الله فیاض در مورد بانکداری اسلامی و بورس است که در نوع خود جزء کتاب علمی، ابتکاری و اثرگذار ایشان به حساب می‌آید. تا به حال کتاب جامعی در مورد بانکداری اسلامی از طرف مراجع عظام تقلید و صاحب نظران شیعی در حد این کتاب، نگاشته نشده است و این نشان می‌دهد کتاب مذکور نقش علمی و اثرگذاری در گسترش علم فقه در زمینه بانکداری اسلامی دارد.

۲. تعالیق مبسوط علی العروه الوثقی: این کتاب که در ۱۵ جلد نگاشته شده است که یک دوره کامل فقه شیعه را در برمی‌گیرد. کتب فقهی دیگری نیز از ایشان منتشر شده است که هرکدام به نوعی در گسترش علم فقه اثرگذار می‌باشد. مانند: الاراضی؛ منهاج الصالحین در

۳ جلد، النظرة الخاطفه فی الاجتهاد، اجوبه المسائل الطبیة، موقع المرأه فی النظام السیاسی الاسلام، مائة سوال و سوال حول الکتابه و الکتاب و المکتبات و جوابها و... (ناصری داوودی، ۱۳۹۰، ۲: ۵۰۷؛ خویی، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۴؛ فصیحی غزنوی، شریفی، ۱۳۹۳: ۳۱۶-۳۱۷). این نشان می‌هد که آیت‌الله فیاض به عنوان یک عالم و فقیه شیعی برخاسته از حوزه علمیه افغانستان بر حوزه علمیه نجف اشرف، تأثیر علمی و فرهنگی داشته و در گسترش علوم اسلامی از جمله علم فقه، نقشی قابل توجه به لحاظ علمی ایفا نموده است.

۳. محاضرات فی الاصول: از دیگر آثار علمی این فقیه برجسته می‌توان کتاب محاضرات فی اصول الفقه را نام برد که تقریرات درس استادش، حضرت آیت‌الله خویی است. کتاب حاضر که بارها تجدید چاپ شده است، امروزه در حوزه‌های علمیه شیعه از کتاب‌های مرجع شمرده می‌شود و بعد از کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی از جایگاه خاص برخوردار است. مرحوم خویی در مورد این کتاب و نویسنده آن می‌فرماید:

از میان عالمانی که موفق شدند حرمت علم را پاس بدارد و بحث‌های عالی (درس‌های خارج) را در علوم فقه و اصول حاضر شده به خوبی تنقیح نماید، نور چشمانم علامه محقق و فاضل شیخ محمد اسحاق فیاض است (فیاض، ۱۴۳۰ق، ۱: مقدمه).

بنابراین، عالمان شیعی افغانستان از جمله آیت‌الله فیاض نقش مهمی در گسترش علوم اسلامی داشته‌اند.

۳-۳) در حوزه استفتاء و پاسخ به مسائل شرعی

شورای استفتاء به مجموعه مجتهدانی گفته می‌شود که نسبت به یک مسئله شرعی تحقیق و تفحص می‌کنند و در نهایت در بیان حکم تکلیفی آن مسئله به مرجع تقلید نظر مشورتی می‌دهند. استفتاء یا همان درخواست فتوا سنتی است که از گذشته معمول و مرسوم بوده است و مردم احکامی را که نمی‌دانستند و مبتلا به بودند را از مراجع تقلید سوال می‌کردند که این سوال از مرجع تقلید همان استفتاء است. گستردگی روز افزون ابتلائات مردم و حجم زیاد مقلدین باعث شده که حجم سوال‌ها و تنوع آن نیز گسترده شود. این گستردگی احکام و

استفتائات از طرفی و کثرت اشتغالات مراجع محترم از دیگر سو، زمینه نیاز به این مجموعه یعنی شورای استفتاء را ایجاد کرده است. هر مرجعی برای اینکه بتواند در مسائل جدید (مستحدثه) در کمترین فرصت، نظر درست ارائه کند، مجموعه‌ای از شاگردان مبرز خود که نسبت به مبانی فقهی و اصولی آن مرجع آگاهی کامل دارند را جمع‌آوری می‌کند. این شاگردان که حلقه شورای استفتاء را تشکیل می‌دهند، فتوای جدید مرجع محترم را نقد و بررسی می‌کنند و آن مرجع پس از نقد و بررسی نظر نهایی خویش را بیان می‌کند.

تجربه چند صد ساله مباحثات علمی نشان می‌دهد که مباحث وقتی در جمع بیان و بررسی می‌شود به واقع و صواب نزدیک‌تر است تا هنگامی که شخصی به تنهایی نسبت به آن مسئله نظر دهد؛ این تجربه تاریخی و همچنین تجربه شخصی مراجع محترم نسبت به مباحثات علمی عامل تشکیل این مجموعه شده است.

آیت‌الله فیاض در زمان حیات آیت‌الله خویی نیز در علوم اسلامی به ویژه علم فقه، تبحری قابل توجه داشت و همین مسئله باعث شد که آیت‌الله خویی وی را به عنوان نماینده تام‌الاختیار خویش به مراسم حج فرستاده و پاسخ به استفتائات مقلدانش را نیز به وی واگذار نماید. ایشان در حوزه علمیه نجف نیز مسؤل پاسخ به استفتائات مقلدان آن مرجع در سراسر جهان بود. وی با توجه با آشنایی کامل به مبانی استادش، فتاوا را نوشته و به استاد تقدیم و آیت‌الله خویی آنرا تأیید و امضاء می‌کرد (ناصری داوودی، ۱۳۹۰، ۲: ۵۰۶). این نشان می‌دهد که آیت‌الله فیاض در آن زمان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در حوزه علمیه نجف بوده است.

۳-۴) در حوزه امتحان و ارزیابی طلاب

یکی از فعالیت‌های عالمان دینی در حوزه‌های علمیه شیعه که سابقه دیرینه دارد، امتحان گرفتن از طلاب علوم دینی که در حوزه علمیه مشغول تحصیل هستند و یا طلاب جدیدالورود است. امروزه امتحانات حوزه در روزهای معین در سال به صورت کتبی و شفاهی برگزار می‌گردد، اما در گذشته این امتحانات غالباً به صورت شفاهی و استاد ممتحن با سوالات

علمی، علمیت طلاب علوم دینی را محک می‌زد. گاهی برای ورود به حوزه و گرفتن شهریه از مراجع، هر مرجعی برای خودش استاد ممتحن داشتند که از طلاب امتحان می‌گرفتند. این سیستم در حوزه علمیه نجف اشرف نیز وجود داشت و برخی از ممتحن‌ها از عالمان مهاجر افغانستانی در حوزه علمیه نجف اشرف بوده است. به عنوان نمونه علامه مدرس افغانی جزو ممتحنین در دفتر آیت‌الله خویی بوده است. (برهانی شهرستانی، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

یکی دیگر از علمای برجسته مهاجر افغانستانی در نجف اشرف آیت‌الله محقق خراسانی بوده است، وی از نزدیکان و مبلغان حضرت امام علیه السلام بودند که برای ایشان تبلیغ و سخنرانی می‌کرد. چنانکه در مورد ممتحن بودن ایشان گفته شده است: در این میان آقای محقق خراسانی پیش قدم بودند و نیز در مورد استفتائات ایشان و برگزاری امتحانات از طلاب و سایر امور دستگاه مرجعیت به سایر مسئولین کمک می‌کرد و در نزد امام تقرب خاصی داشت. (همان: ۱۲۰). آیت‌الله محقق خراسانی از خواص و نزدیکان امام خمینی علیه السلام بود و در دستگاه ایشان به عنوان ممتحن فعالیت داشت؛ یعنی از طلابی که از امام علیه السلام شهریه نداشتند، امتحان می‌گرفت و برایشان شهریه مقرر می‌کرد (همان: ۱۴۸).

بنابراین، یکی از فعالیت‌های فرهنگی عالمان شیعه مهاجر افغانستان در حوزه علمیه نجف اشرف، فعالیت در گرفتن امتحان از طلاب علوم دینی بوده است که توسط حوزه و زعیم حوزه به عنوان ممتحن معرفی می‌شدند و آنها از طرف بیت مرجعیت برای وصل و ارتقای شهریه از طلاب امتحان می‌گرفتند. این نشان می‌دهد که عالمان مهاجر افغانستانی مورد اعتماد مراجع تقلید بوده و علمیت‌شان مورد تأیید آنها بوده است.

۴. نقش فرهنگی عالمان شیعه افغانستان در حوزه علمیه نجف

عالمان شیعی مهاجر افغانستان در حوزه علمیه نجف افزون بر نقش علمی، نقش فرهنگی نیز داشتند که نشان از همت بالای آنان در عرصه تبیین معارف اسلامی و گسترش فرهنگ دینی است:

۴-۱) خطابه و منبر

خطابه و سخنرانی که در میان شیعیان، ذکر مصیبت و روضه خوانی جزء لاینفک آن به حساب می‌آید، یکی از مهم‌ترین و اصیل‌ترین فنون و شاخص‌های فرهنگ و تمدن اسلامی به حساب می‌آید که ریشه در صدر اسلام دارد. پیامبر اعظم و امام علی در مناسبت‌های مختلف خطابه می‌خواندند و مردم را موعظه و نصیحت می‌کردند. براین اساس خطابه و سخنرانی از ویژگی‌های تمدن اسلامی به حساب می‌آید که نشان از عظمت اسلام و ره‌آورد این آیین توحیدی است.

پرواضح است که خطابه و سخنرانی مانند سایر علوم و فنون اسلامی مدیون اهتمام اسلام به مقوله‌ی تبلیغات و ارتباطات است؛ زیرا مسلمانان و جامعه اسلامی برای نشر معارف دینی و برنامه‌های نجات بخش اسلام، نیاز به ارتباطات و تبادل اطلاعات داشتند. براین اساس، خطابه و سخنرانی برای نشر اسلام و معارف آن صورت گرفته است. مسلمانان با الهام از دیدگاه اسلام و اهمیت دعوت به توحید و رهایی از شرک و جهل و خرافات، بدان روی آوردند و به تدریج تجارب و دستاوردهای مهمی کسب کردند.

امروزه پیشرفت‌های شگرفی در دنیای تکنولوژی به وجود آمده است و انواع شبکه‌های اطلاع‌رسانی چه در دنیای حقیقی و چه در دنیای مجازی، در همه ابعاد از جمله در ساحه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی نقش مهم و مؤثری را ایفا می‌کند، چنانکه انواع وسائل مربوط به ارتباطات و اطلاع‌رسانی، جهان را به صورت دهکده‌ای در آورده است؛ اما با این وجود از امر تبلیغ و سخنرانی سنتی و مذهبی نیز چیزی نکاسته است و می‌توان گفت هیچ چیزی نمی‌تواند اثر و ثمر آنرا داشته باشد، بویژه سخنرانی و خطابه اگر با شرایط لازم و ویژگیهای مطلوب علمی، ادبی، هنری و عملی ارائه گردد.

عالمان مهاجر افغانستان در این زمینه نیز نقشی مؤثر داشته‌اند. آنها در مجالس بزرگ و در محضر آیات عظام به سخنرانی می‌پرداختند. یکی از این سخنرانان صاحب‌نام، آیت‌الله محمدعیسی محقق خراسانی بوده است. وی از خطبای معروف شهر نجف بوده است که به

زبان فارسی و عربی سخنرانی می‌کرده است. به عنوان نمونه آیت‌الله شیخ محمدعلی اسلامی شهرستانی که خود نیز منبری بود، درباره منبر و سخنرانی آیت‌الله محقق خراسانی می‌گوید: زبان محقق خراسانی خیلی عالی، فصیح و بلیغ بود، منبرش خیلی کامل بود، منبرش جوری بود که همه حوزه علمیه نجف اشرف وی را قبول داشتند، نه حوزه علمیه و نه یک طایفه‌ای خاص، حتی به زبان عربی هم ایشان منبرهای خوب و قوی داشتند (همان: ۹۸-۹۹).

یکی دیگر از علمایی که در حوزه نجف اشرف حضور داشته و از نزدیک شاهد سخنرانی‌های آیت‌الله محقق خراسانی بوده است؛ درباره خطابه و وعظ ایشان می‌گوید: آیت‌الله العظمی حکیم مرجع بزرگ جهان شیعه بود و رکن اعظم حوزه علمیه نجف اشرف به حساب می‌آمد، وقتی ایشان از دنیا رفت، همه عزادار شدند و غم و اندوه سنگینی بر دل همه شیعیان سایه انداخت. در پی رحلت این عالم بزرگوار همه طلاب و علماء و فضلاء اعم از عرب‌ها، ایرانی‌ها، پاکستانی‌ها، هندی‌ها و طلاب و علمای افغانستان هرکدام به نوبه خویش برای آیت‌الله حکیم مراسم ختم و فاتحه‌خوانی برگزار نموده و از ایشان تجلیل کردند. در مراسمی که از سوی علماء و فضولای افغانستان مقیم نجف اشرف برگزار گردید، آیت‌الله محقق خراسانی به عنوان سخنران مجلس انتخاب شد. در این مراسم اقشار مختلف مردم شرکت کردند، عرب‌ها دسته دسته و گروه گروه، هر قبیله و عشیره با پرچم‌های مخصوص می‌آمدند و در مراسم تجلیل آیت‌الله حکیم شرکت می‌کردند. مراجع تقلید و آیات عظام؛ حضرت امام خمینی علیه السلام، آیه الله خویی، آیه الله شاهرودی و سایر آیات عظام از جمله فرزندان آیت‌الله حکیم نیز در این مراسم باشکوه شرکت داشتند. وقتی آیت‌الله محقق خراسانی بالای منبر رفت و شروع به ایراد خطبه نمود، چون جُثه‌ای کوچک و چهره‌ای هزاره‌ای داشت؛ ناگهان شخص عربی فریاد زد و با ناراحتی و افسوس گفت: واعجبا؟ چه خبر است؟ امروز آقای حکیم از دنیا رفته و گویا تمام عرب از دنیا رفته است؟ کسی نیست که در مراسم ایشان سخنرانی کند که حال یک عجم، آن هم یک افغانی، آن هم با این جثه کوچک سخنرانی می‌کند؟ سید یوسف حکیم فرزند آیت‌الله حکیم نگاهی به آن عرب کرد و گفت: یاعمی

اسکت انت تعرف، انا اعرف؟ تو ایشان را می‌شناسی یا من می‌شناسم؟ آن عرب ساکت شد. آیت‌الله محقق خراسانی وقتی سخنرانی شروع و خطابه‌اش اوج گرفت و اوصاف مولا امیرالمؤمنین را به آیت‌الله حکیم تطبیق کرد، همان عرب با احساسات تمام از جایش بلند شد، خطاب به مردم گفت: ایها الناس انا کاذب، من دروغ گفتم، هذالسید، هذالشیح، هذالخطیب عین‌العرب، قلب‌العرب، لسان‌العرب... و توصیفات تام و تمام درباره آیت‌الله محقق خراسانی به زبان آورد و سپس سر جایش نشست.

آیت‌الله محقق خراسانی به زبان عربی تسلط قابل توجهی داشت و بسیار فصیح، حماسی، شورانگیز و و پرحرارت سخن می‌راند. تسلط وی به زبان عربی چنان بود که هیچ عربی نمی‌توانست از تکلم ایشان اشکال بگیرد و همه عرب‌ها ایشان را به عنوان یک عرب‌زبان فصیح و بلیغ قبول داشتند (همان: ۱۴۱).

ایشان در ایام محرم در طول شبانه روز حدود هشت منبر می‌رفت. ایشان برای عرب‌ها به زبان عربی سخنرانی و برای فارسی‌زبانان به فارسی سخن می‌گفت. یکی از جاهایی که ایشان در شبهای محرم منبر می‌رفت مدرسه قزوینی بود. در این مدرسه از اقوام و ملل مختلف مانند عالمان ایرانی، افغانستانی، هندی، پاکستانی و عرب‌ها زیر منبرش جمع می‌شدند و یک جلسه بسیار باعظمت تشکیل می‌گردید. چنانکه در مدرسه قوام نیز ایشان منبر می‌رفت و جمعیت زیادی در مجلس وعظ ایشان حاضر می‌شدند و مجلسی بسیار باشکوه تشکیل می‌شد. از جمله افرادی که در جلسات سخنرانی ایشان حضور می‌یافت، آیت‌الله صدرا که از بزرگان حوزه علمیه نجف و به عنوان هم‌طراز آیت‌الله خویی مطرح می‌شد، بود. آیه‌الله صدرا درباره ایشان گفته است که این مرد اجتهادی صحبت می‌کند و سخنرانی علمی و اجتهادی دارد (همان: ۱۱۶-۱۱۷).

علامه اسماعیل بلخی که خود از سخنوران قهار و بلیغ بود، در مسافرتی که به نجف اشرف داشت و مدتی با علمای شیعه افغانستان و مراجع عظام تقلید جلساتی داشت، در مورد منبر و سخنرانی آیت‌الله محقق خراسانی گفته است: من در فن خطابه و سخنوری و نیز سایر علوم

و فنون کسی را به اندازه آقای محقق خراسانی سراغ ندارم (همان: ۱۴۲).
بدین وصف، در مقوله سخنرانی و خطابه نیز عالمان شیعه مهاجر افغانستان نقشی مهم و تأثیرگذار در حوزه علمیه نجف اشرف داشته است.

۲-۴) برگزاری مراسم در اعیاد و وفیات ائمه معصومین علیهم‌السلام

برگزاری مجالس عزا و شادی اهلبیت علیهم‌السلام جزو شعائر دینی محسوب شده و یکی از مسائل مهم و اساسی در رشد و تقویت روحیه معنوی جامعه‌ی اسلامی است که می‌تواند سبب قوام و دوام ارزش‌های معنوی و اخلاقی گردد. بازخوانی و یادآوری مناسبت‌ها و نیز بازگنمودن مراتب معنوی و مقامات عالی پیشوایان دینی مانند انبیای الهی و ائمه معصومین و شخصیت‌های متقی و پرهیزگار همواره سبب رشد و اعتلاء و باروری بینش اعتقادی جامعه می‌باشد. چنانکه خداوند کریم در جاهای متعدد این مساله را یادآور می‌شود که ای پیامبر همواره انبیای گذشته و بندگان صالح من را بیاد بیاور (و اذکر عبادنا ابراهیم و اسحاق و یعقوب اولی الایدی و الابصار). در حقیقت یادآوری و زنده نگهداشتن یاد و خاطره انبیاء و اولیای الهی یک نوع ارزش‌دهی به کرامت انسانی و بهاء دادن به ارزش‌های معنوی است.

عالمان مهاجر افغانستان در نجف که مشغول تحصیل علوم اسلامی و فراگیری معارف اهلبیت علیهم‌السلام در حوزه بزرگ نجف اشرف بودند نیز به این مهم توجه داشتند و مراسم عزاداری در ایام شهادت و وفیات اهلبیت برگزار می‌کردند، چنانکه در ایام ولادت آن بزرگواران و اعیاد مذهبی مراسم جشن و سرور برگزار می‌کردند. غالب عالمان شیعه افغانستان در حوزه علمیه نجف به این مهم توجه داشتند، ولی برخی از عالمان شیعی افغانستان در این زمینه شاخص بودند و به عنوان خطیب و سخنران در سطح عراق و نجف مطرح بودند. به عنوان نمونه یکی از شخصیت‌های علمی که ضمن تدریس و تحقیق در امر سخنرانی شهره‌ی آفاق بود، چنان که سخن رفت، آیت‌الله محمد عیسی محقق خراسانی بوده است که ایشان به زبان عربی به خوبی تسلط داشت و در میان عرب‌ها به زبان عربی به سخنرانی و ایراد سخن می‌پرداخت.

یکی از علمای نجف اشرف نقل می‌کند: یکی از روزهای محرم بود، در منزل آیت‌الله خویی

نشسته بودیم. تعدادی از بزرگان، آیات عظام و شاگردان آیت الله خوئی نیز حضور داشتند و خود آیت الله خوئی نیز تشریف داشت. مدرسه پاکستانی‌ها متصل به منزل آیت الله خوئی بود و مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در آن مدرسه اقامه می‌شد و صدای خطیب و سخنران مجلس که از بلندگوی مدرسه پخش می‌گردید در منزل آیت الله خوئی به وضوح شنیده می‌شد. سخنران و روضه خوان مجلس آیت الله محقق خراسانی بود. وقتی ایشان روی منبر قرار گرفت و آغاز سخن نمود، آیت الله خوئی به اطرافیان فرمود: آقایان اجازه دهید می‌خواهم سخنرانی آقای محقق را گوش دهم. همه به احترام ایشان ساکت شدند و ایشان از ابتدای سخنرانی تا دعای آقای محقق به سخنان وی گوش داد و هنگامی که آقای محقق روضه خواند و ذکر مصیبت کرد، آیت الله خوئی به شدت گریه نمودند و اشک‌های ایشان مانند قطرات باران بر صورت مبارکشان جاری بود. بعد از پایان مجلس و سخنرانی خطاب به اهل مجلس گفت: «من در عمرم نه در عرب و نه در عجم مانند این محقق خطیب و سخنران ندیدم». (همان: ۱۴۱-۱۴۲). علاوه بر این، عالمان شیعه افغانستان در نجف اشرف به خصوص در شهر جدید که غالب مهاجرین افغانستانی در آن جا سکونت داشتند، برنامه‌های مذهبی از جمله مراسم عزاداری در ایام شهادت و وفیات اهل بیت علیهم السلام همین طور مراسم شادی در اعیاد مذهبی از طرف علمای مهاجر افغانستان در نجف اشرف برگزار می‌گردید (مصاحبه با مهدوی: ۱۴۰۰/۹/۲۲).

۳-۴) ساخت مراکز علمی و فرهنگی

نجف اشرف که در آن زمان مرکز علمی شیعه به حساب می‌آمد، بسیاری از عالمان برجسته شیعی را از نقاط مختلف جهان اسلام در خود جای داده بود. هرکدام از این عالمان دینی، از هر ملیت و قومیتی که بودند در راستای گسترش معارف اهل بیت و پیشرفت شیعه تلاش می‌کردند. از این رو، طلاب علوم دینی از نقاط مختلف کشورهای اسلامی به این حوزه کهن سرازیر می‌شدند. با توجه به افزایش تعداد طلاب، نیاز به مکان‌های تدریس و خوابگاه برای طلاب بیشتر احساس نیاز می‌گردید. به همین جهت یکی از فعالیت‌های عالمان دینی، ساخت

مراکز علمی و فرهنگی بود که هم نیاز به مکان تدریس را بر طرف نماید و هم برای طلاب حجره و خوابگاه یافت گردد. عالمان مهاجر افغانستان که در نجف اشرف حضور فعال داشتند نیز مانند سایر علمای بزرگ حوزه به ساخت مراکز علمی و فرهنگی اقدام نمودند.

۱-۳-۴) ساخت مدرسه علمیه علمیه

هرچند تدریس در نجف اشرف در اماکن مختلفی نظیر حوزه‌های علمیه و مدرسه‌های دینی، مساجد، مقابر علماء (مثل مقبره شیخ طوسی)، خانه‌های استادان، صحن علوی که مرکز اصلی گردهمایی اساتید و طلاب است، انجام می‌گیرد اما علمای مشهور معمولاً مسجدی دارند که در آنجا تدریس می‌کنند. مدارس دینی حوزه علمیه نجف هم به اهتمام عالمان، بازرگانان یا صاحب منصبان خیر ایجاد شده است. در نجف از حدود ۵۴ مدرسه نام برده می‌شود که قدیمی‌ترین آن مدرسه مرتضویه است که در سال ۷۸۶ ق. سید حیدر آملی در آن سکونت داشته و شاه عباس اول آن را بازسازی کرده است.

مدرسه‌ای که مقداد سیوری (متوفی ۸۲۸) در نجف تأسیس کرده، از دیگر مراکز تعلیمی کهن است که شخصی به نام سلیم خان آن را بازسازی کرده و به مدرسه سلیمیه شهرت یافته است. مدارس چون قوام، قزوینی، بادکوبه‌ای و هندی را صاحب منصبان دولتی یا بازرگانان ثروتمند ساخته‌اند و مدرسه‌های ابروانی، شریانی، آخوند خراسانی، سید طباطبایی و بروجردی را خود مراجع و عالمان ایجاد کرده یا به نام ایشان ساخته شده است. در این آبادسازی مراکز آموزشی و علمی و فرهنگی، شخصیت‌های بسیاری از کشورهای مختلف شیعه نشین شرکت جسته‌اند و یادگارهایی از سرزمین‌شان به جای گذاشته‌اند. از خطه‌ی عالم خیز خراسان سابق و افغانستان فعلی نیز افرادی به کاروان فرهنگ‌دوستی پیوسته و اماکن عبادی و آموزشی را در شهر نجف اشرف از خود به یادگار گذاشته‌اند (برهانی شهرستانی، ۱۳۹۸: ۸۲). به چند نمونه از مدارس دینی و مراکز علمی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط علمای افغانستان در حوزه علمیه نجف اشرف بنا نهاده شده است، اشاره می‌گردد:

۱. مدرسه بزرگ آخوند خراسانی

آخوند خراسانی هروی از عالمان بزرگ مهاجر افغانستانی در حوزه علمیه نجف اشرف است که ضمن خدمات علمی و تربیت شاگردان فراوان، سه مدرسه دینی نیز ساخته است که به عنوان مراکز علمی و فرهنگی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. یکی از این مدارس مدرسه بزرگ آخوند خراسانی است. این مدرسه دینی بزرگ در محله حُوش واقع شده است و بیش از ۷۰۰ متر مربع مساحت دارد و دارای ۴۸ حجره برای طلاب است که شبانه در آنجا سکونت دارند و در واقع خوابگاه طلاب علوم دینی است.

۲. مدرسه وسطی آخوند خراسانی

آخوند خراسانی علاوه بر مدرسه بزرگ مدرسه دیگری نیز تأسیس کرده است که از آن به مدرسه وسطی یاد می‌گردد؛ این مدرسه دینی به مساحتش ۴۲۰ متر و دو طبقه ساخته شده است. این مدرسه دینی در محله براق در کوچه آل اعسم برابر خان بزرگ، در سال ۱۳۲۶ هجری تأسیس گردیده است. وزیر بخارا، استاد قلی بیگ - درگذشته به سال ۱۳۳۰ هجری - این مدرسه را به دستور آخوند خراسانی ساخت و چون کوچکتر از مدرسه قبلی بوده است مدرسه وسطی آخوند خراسانی معروف شده است. فقیه سیدحسن بجنوردی و فقیه شیخ محمدباقر خمینی (کمره‌ی) مولف الدین فی طور الاجتماع مدتی در آن ساکن بودند و افاده می‌دادند. این مدرسه ۳۶ حجره دارد و حدود ۶۰ دانشجوی دینی و کتابخانه مختصری حدود ۱۳۰۰ مجلد کتاب. در این مدرسه خادمی بود که پرستاری دانشجویان را می‌کرد. غالباً از تأملات ریاضی از طالب علما دین سوال می‌کرد و ایشان را گیر می‌افکند. گمان می‌کنم وقتی درس خوانده بود، بعداً از فقر و فاقه خادم مدرسه شد.

۳. مدرسه کوچک آخوند خراسانی

این مدرسه در محله براق واقع شده است با زیربنای ۲۱۰ متر مربع دارای ۱۲ حجره می‌باشد و در سال ۱۳۲۸ ه ق تأسیس شده است (همان: ۸۴).

۴. مدرسه شیخ چمن

مدرسه الاحمدیه الدینیّه (شیخ چمن) شیخ چمن اخلاقی یکی از عالمان بزرگ افغانستان است که از سرزمین مالستان از توابع غزنی برخاسته است. وی در سال ۱۳۲۶ ش، به مشهد مقدس مهاجرت کرد و بعد هفت سال اقامت در مشهد عازم حوزه علمیه نجف اشرف گردید. ایشان در نجف اشرف در مدرسه مرحوم آخوند خراسانی هروی به عنوان خادم شروع به فعالیت کرد و کم‌کم به مطالعه و درس نیز علاقه‌مند بود و کتب ادبیات عرب را مطالعه می‌کرد. یک روز علامه مدرس کتاب جامع المقدمات را در دست ایشان مشاهده کرده چند سوال ادبی می‌پرسد و می‌بیند که ایشان خوب جواب می‌دهد. همانجا دستور می‌دهد که دیگر شما خادم مدرسه نیستی بلکه طلبه هستی و شهریه ات را نیز وصل می‌کنم. از آن پس جناب آقای اخلاقی با جدیت و تلاش مضاعف به تحصیل علوم اسلامی و فراگیری معارف اهل بیت پرداخته است.

با توجه به کمبود جا و محل سکونت طلاب در حوزه علمیه نجف اشرف، به ویژه برای طلاب تازه وارد افغانستان که با مشکلات فراوان مواجه می‌شدند، آقای اخلاقی به فکر تأسیس مدرسه علمیه افتاد. بدین طریق وی با کمک و همفکری آیت‌الله محمدعلی مالستانی و مساعدت و همکاری آیت‌الله کاشف الغطاء، از مقامات دولتی عراق اجازه ساخت و تأسیس یک مدرسه علمیه را دریافت نمود. براین اساس، وی در سال ۱۳۶۵ ق، مدرسه علمیه احمدیه را در منطقه جدید در شهر نجف اشرف که عالمان و مهاجران افغانستانی بیشتر حضور داشتند، پایه‌گذاری نمود. سپس با کمک فردی خیریه به نام احمدرضا رشادی، مدرسه مذکور را که در زمینی به مساحت ۴۰۰ متر مربع ساخت. مدرسه مذکور در دو طبقه که دارای ۳۷ اتاق برای طلاب خوابگاهی بود، به مدت دو سال تمام تکمیل نمود. بدین ترتیب مدرسه احمدیه به عنوان یک مدرسه دینی و پایگاه و خانه بی‌منت برای طلاب افغانستانی می‌شود و او خالصانه برای طلاب افغانستانی و زواری که به زیارت عتبات عالیات مشرف می‌شدند خدمت می‌کرد (فصیحی غزنوی شریفی، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۳).

۵. مدرسه سیدعوض

سید عوض از بزرگان افغانی بود که با طلاب علوم دینی مقیم نجف اشرف همکاری و کمک‌های مالی داشت. (مصاحبه شخصی با صالحی: ۱۳۹۹/۱۱/۸).

۶. مدرسه افغانی‌ها

این مدرسه در یکی از محلات جدید نجف اشرف قرار دارد بانی آن، شیخ حسن افغانی است. وی زمین مدرسه را وقف طلاب علوم دینی کرده بود و سپس جمعی از نیکوکاران افغانستان، مدرسه‌ای در آن ساختند. مساحت زمین ۴۰۰ متر مربع و دارای ۷ حجره است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۱۴۶).

۷. مدرسه بخارایی‌ها

این مدرسه در محله (الْحَوْش) و متصل به مدرسه بزرگ آخوند خراسانی است. بانی آن، محمد یوسف بخارایی است که آن را به کمک شیخ محمدکاظم بخارایی در سال ۱۳۱۹ ق بنا کرد. با گذشت زمان، مدرسه به ساختمان مخروطی تبدیل شد تا آنکه در سال ۱۳۸۰ ق بازماندگان مرحوم حاج غلام کویتی بنا بر وصیتش در همان مکان، مدرسه‌ای با معماری جدید ساختند و مدرسه جدید دارای دو طبقه ساختمان و ۱۹ حجره برای اسکان طلاب است (همان: ۱۳۸). بیشتر طلاب مدرسه بخارایی که قدمت آن به سال ۱۳۸۰ هجری قمری باز می‌گردد و به قول خدمه آن که می‌گویند اهالی بخارایی افغانستان آن را بنا کرده‌اند، افغانی هستند. اگرچه تعدادی طلبه ایرانی و غیرایرانی هم در آنجا سکونت دارند و به فراگیری علوم دینی مشغولند. این نزدیک به ۶۰ طلبه دارد که بیشتر آنها را اتباع افغانستان مقیم عراق تشکیل می‌دهند که در آنجا مشغول فراگیری علوم دینی هستند (حوزه نمایندگی ولایت فقیه در امور حج و زیارت، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ ش).

۲-۳-۴) ساخت مسجد و حسینیه

یکی دیگر از فعالیت‌های فرهنگی عالمان مهاجر شیعی افغانستان در حوزه علمیه نجف

اشرف، ساخت مسجد و حسینیه است. عالمان دینی بر حسب نیازهایی که تشخیص می‌دادند مسجد و حسینیه می‌ساختند که مهاجران افغانستانی یا زواری که از داخل افغانستان به زیارت مشرف می‌شدند در این مساجد و حسینیه‌ها سکونت می‌یافتند.

۱. حسینیه سجاده: این حسینیه توسط علامه سید اسماعیل بلخی، یکی از مجاهدان روشنفکر که مدت چهارده سال را در زندان، ظالمان، مستبدان و جاهلان زمان سپری نمود، ساخته شده است. علامه بلخی بعد از آزادی از زندان، یک مسافرت به حوزه علمیه نجف اشرف داشت، در این مسافرت ضمن ملاقات با فقهای بزرگ شیعه در این حوزه کهن با عالمان دینی افغانستان نیز ملاقات‌هایی داشت که در این ملاقات‌ها علماء را به تلاش علمی، انسجام و وحدت و از همه مهمتر به توجه به کشور افغانستان دعوت نمود و خود نیز حسینیه و مدرسه‌ای به نام حسینیه سجاده تأسیس نمود. امروزه این حسینیه محل برگزاری مجالس عزاداری و شادی برای اهل بیت است. (مصاحبه خصوصی با مهدوی، ۱۴۰۰/۹/۲۲).

۲. مسجد فاطمیه: این مسجد نیز توسط عالمان دینی افغانستان در شهر جدید که بیشتر محل زندگی مهاجرین افغانستانی می‌باشد، ساخته شده است. این مسجد را شخصی به نام شیخ فاضل که از منطقه‌ی قل خویش بهسود که از توابع ولایت میدان وردک است، تأسیس نمود. وی خانه‌ای داشت بسیار وسیع که حدود هزار متر بود و در حیاط خانه‌اش انگور کاشته بود و به همین جهت به ابوالعنب معروف شده بود. وی نصف خانه‌اش را وقف مسجد نمود و این مسجد را با کمک دیگر علمای افغانستان و مهاجرین ساخت که یکی از کسانی که در این مسجد به سخنرانی و ایراد سخن می‌پرداخت، آیت الله محقق خراسانی بود. (همان)

مسجد دیگری نیز که در شهر جدید نجف ساخته شد، مسجد سید عوض بود. سید عوض یک کاسب بود که به شغل نانوائی اشتغال داشت و روابط عمومی خوبی داشت. ایشان با علما نیز روابط حسنه داشت که ایشان به تشویق برخی از علماء این مسجد را تأسیس نمود. از آن پس شیعیان مهاجر افغانستانی در جدید مراسم مذهبی خویش را در این مسجد برگزار می‌کردند.

افزون بر این، در شهر مقدس کاظمین نیز عالمان دینی افغانستان مسجد و حسینیه ساختند تا زواری که از افغانستان به زیارت مشرف می‌شوند و شب در کاظمین می‌مانند، بدون جای و مکان نباشند. به همین جهت دو حسینیه، یکی به نام حسینیه بهمن‌علی و دیگری نیز مربوط به عالمان دینی مالستان، به عنوان مرکز فرهنگی و مکانی برای زواران ساخته شد که دارای آثار و برکاتی فراوان است (همان).

نتیجه

با روی کار آمدن حکومت عبدالرحمان و ظلم و جنایت سفاکانه‌ای که او در حق مردم هزاره روا داشت، بسیاری از هزاره‌ها ناگزیر به مهاجرت شدند و خانه و ملک پدری‌شان را ترک نمودند، از آن جمله برخی عالمان دینی به نجف اشرف مهاجرت کردند. عالمان مهاجر شیعه افغانستان در نجف اشرف خوش درخشیدند و نقش مؤثری را در گسترش علوم اسلامی و فرهنگ شیعی ایفا نمودند. از جمله نقش‌آفرینی‌های فرهنگی آنها در حوزه نجف اشرف، می‌توان به نقش آنها در مقوله‌ی تعلیم و تعلّم اشاره کرد. بسیاری از عالمان مهاجر در حوزه نجف تدریس داشتند و شاگردان فراوانی را تربیت کردند. چنانکه در حوزه نگارش کتب علمی نیز اثرگذار بوده و در این زمینه نیز در علوم مختلف نوآوری‌های داشته‌اند. آنان افزون بر تعلیم و تربیت شاگرد در خطابه و سخنرانی نیز نقش مؤثری داشته‌اند مانند آیت‌الله محقق خراسانی از خطبای معروف نجف اشرف بوده است. چنان که حضور در جلسات علمی، مانند عضویت در گروه استفتائات و یا هیئت ممتحن از دیگر نقش‌آفرینی‌های عالمان دینی خطّه افغانستان به حساب می‌آید. ساخت مراکز فرهنگی مانند؛ ساخت مدارس دینی، مساجد و حسینیه نیز در کارنامه برخی عالمان دینی ثبت شده است.

کتابنامه

- ابن فارس، ابی‌الحسین احمد (۱۴۲۹ق)، معجم مقایس اللغه، دار احیاء التراث العربی للطباعه والنشر و التوزیع،
- ابن منظور، جمال‌الدین ابی‌الفضل محمد بن مکرم (۱۴۲۲ق)، لسان العرب، مراجعه و تدقیق: یوسف البقاعی، ابراهیم شمس‌الدین، نضال علی، بیروت، لبنان، موسسه اعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
- امینی، شیخ محمد هادی (۱۴۱۳ق)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام، بیجا، بیجا.
- انوری، حسن، (۱۳۸۱ش)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
- برهانی شهرستانی، محمدعلی، (۱۳۹۸)، کابل، بنیاد اندیشه، چاپ اول.
- بستانی، فؤاد افرام و مهیار، رضا (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۲۶)، فرهنگ ایران باستان، بی‌نا، تهران.
- پهلوان، چنگیز، (۱۳۸۲)، فرهنگ شناسی، قطره، چاپ دوم، تهران.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۲)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، چاپ شانزدهم.
- جلالی، سید محمد حسین حسینی (۱۴۲۲ق)، فهرس التراث، قم، انتشارات دلیل ما.
- جمعی از محققین، (۱۳۹۰)، حوزه‌های علمیه افغانستان، گذشته، حال و آینده، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳)، نجف کانون تشیع، بیجا، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات.
- عمید، حسن (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر، چاپ هجدهم.
- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۷۸)، رشد مبانی فکری و تحول فرهنگ سیاسی در انقلاب

- اسلامی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- فصیحی غزنوی، قربانعلی، شریفی، علی مدد(۱۳۹۳)، *عالمان شیعه غزنی*، تهران، انتشارات عرفان، چاپ اول.
- فیاض، محمد اسحاق(۱۴۳۰ق)، *محاضرات فی اصول الفقه*، بی‌جا، موسسه احیاء آثار الامام الخویی، چاپ چهارم.
- گروهی از نویسندگان(۱۳۶۹ش)، *دایرةالمعارف تشیع*، تهران، نشر شهید سعید مجتبی، .
- محدثی جواد(۱۳۸۳) *گوهر ادب*، قم، تهذیب، چاپ اول.
- محقق خراسانی،(۱۳۹۰ق)، *المؤلفون الافغانیون المعاصرون*، نجف، نعمان.
- مصاحبه اختصاصی با آیت‌الله شیخ هاشم صالحی مدرس، قم، منزل ایشان، ۸ / ۱۱ / ۱۳۹۹ش.
- مصاحبه خصوصی، با استاد مهدوی از دانش‌آموختگان حوزه نجف، قم، دفتر آیت‌الله فاضلی بهسودی، ۲۲ / ۹ / ۱۴۰۰.
- معین، محمد،(۱۳۸۰)، *فرهنگ فارسی*، انتشارات امیر کبیر
- ناصری، عبدالمجید(۱۳۹۰)، *مشاهیر تشیع در افغانستان*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اول.
- نامعلوم،(۱۳۹۲ق)، *المعجم الوسیط*، به همت ابراهیم انیس، عبدالحلیم منتصر، عطیه الصوالحی و محمد خلف الله احمد، زیر نظر حسن علی عطیه و محمد شوقی امین، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء)،(۱۳۵۵)، *فرهنگ نفیسی*، کتابفروشی خیام، تهران.
- حوزه نمایندگی ولایت فقیه در امور حج و زیارت، *اتحاد طلاب ایرانی و غیر ایرانی در نجف*، تاریخ انتشار ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ش، تاریخ مراجعه: شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۰ / السبت، ۶ جمادی الأولى ۱۴۴۳.

